

جلسه حضوری دفتر سیاسی حزب حکمتیست برگزار شد

تهدیدات جمهوری اسلامی علیه اپوزیسیون مسلح کردستان

و موضع ما

(فشرده سخنان رحمان حسین زاده در سمینار کلاپ هاوس)

بحث بر سر چه نیست

پایبندی به حقیقت سنت جنبش طبقه کارگر است

صفحه ۵

سیاوش دانشور

تشکل پایدار و ناپایدار، فرمولی برای ایجاد تفرقه

پاسخی به اظهارات سران سندیکای شرکت واحد

صفحه ۸

جاوید حکیمی

ستون اخبار مبارزات

کارگری و حرکت‌های

اعتراضی

تهیه و تنظیم:

سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

در حاشیه رویدادها

نادر شریفی

اطلاعیه و مشخصات

کانال جدید پخش تلویزیون پرتو

۶۱۶

حکمتیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۶ مهر ۱۴۰۰ - ۱۸ اکتبر ۲۰۲۱

اعلامیه حزب حکمتیست

اعدام قتل عمد دولتی است

در مناسبت ۱۰ اکتبر

روز جهانی علیه اعدام

تلاش برای لغو کامل مجازات اعدام ابتدا توسط سازمان عفو بین الملل، ائتلاف جهانی علیه مجازات اعدام و سازمانهای غیر دولتی، اولین بار در سال ۲۰۰۷ با ارائه قطعنامه ای به سازمان ملل متحد شروع شد. این قطعنامه برای بار دوم در سال ۲۰۰۸ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بتصویب رسید. در این قطعنامه از جمله تاکید شده است که "مجرم، به اعتبار انسان بودن، دارای حق حیات و بسیاری حقوق دیگر است و قانونگذار و سیستم قانونگذاری، حق سلب این حقوق را از فرد به صرف مجرم بودن و ارتکاب جرم ندارد". قبلتر در سال ۱۹۸۹، دومین پروتکل الحاقی به میثاق بین المللی حقوق سیاسی اجتماعی درباره لغو مجازات اعدام به تصویب مجمع عمومی این سازمان رسیده بود.

بر اساس گزارش عفو بین الملل در سال ۲۰۲۰ از میان کشورهایی که قانون اعدام را دارند، تنها ۱۸ کشور جهان حکم اعدام را اجرا کردند. این کشورها شامل؛ چین، ایران، مصر، عراق، عربستان سعودی، سومالی، آمریکا، سودان جنوبی، یمن، هند، عمان، بوتسوانا، بنگلادش، قطر، تایلوان، سوریه، ویتنام و کره شمالی است. بنا

صفحه ۲

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست به مناسبت دهم اکتبر

نه به اعدام!

"پس این چه نوع جامعه ای هست که جز جلا د هیچ ابزار دیگری برای دفاع از خود نمی شناسد؟"

(مارکس - ۱۷ فوریه ۱۸۵۳ در "نیویورک دیلی تریبون")

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعدام قتل عمد دولتی است

در مناسبت ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام ...

به آمارهای ثبت شده اعدامها در سال ۲۰۲۰، جمهوری اسلامی با اجرای ۲۴۶ حکم اعدام، به تنهایی نیمی از کل موارد اعدامهای جهان را به خود اختصاص داده است.

در ایران و در برنامه سیاسی، کمونیسم کارگری پیشرو لغو "مجازات" اعدام است. قتل در هر جامعه ای و به هر دلیلی رخ میدهد، ریشه آدمکشی و نفس اینکه فرد میتواند جان کسی را بگیرد، ریشه در مناسبات اجتماعی دارد. اما وقتی دولت تحت عنوان "اجرای عدالت" و "قصاص" با تشریفات و در کمال خونسردی آدم میکشد، قتل عمد جدیدی مرتکب میشود. اعدام "مجازات" نیست، سلب حق زندگی است، مجازات نمیتواند اصل اصلاح و بازگشت به جامعه را لحاظ کرده باشد. اعدام یک جنایت عامدانه و آگاهانه دولتی است. کشورهایی که هنوز اعدام می کنند میزان جرم و جنایت در آنها گسترده تر است. در حقیقت اعدام نه "اجرای عدالت" است و نه راهی برای "مصون کردن جامعه"، برعکس، یک ابزار طبقات حاکم برای کنترل و سربریزر نگهداشتن مردم معترض است. بیشترین اعدامها بدلائل سیاسی و فرهنگ ارتجاعی حاکم صورت میگیرد. باید تصریح کرد که دولت و هیچ قدرتی حق کشتن عامدانه و گرفتن حق حیات انسانها، به هر دلیل و بهانه ای را ندارد. اعدام باید تماماً لغو و ممنوع شود. "عدالت" ای که توسط جلاد اجرا شود، عدالت نیست، قانونیت دادن به جنایت و عادی کردن آدمکشی است.

در روز دهم اکتبر علیه جمهوری اسلامی حکومت صد هزار اعدام، علیه طالبان و دولتهایی که قانوناً آدم می کشند بمیدان بیائیم. مبارزه برای لغو کامل اعدام در جهان، بدون سازمان دادن مبارزه ای همه جانبه علیه رژیم اسلامی صد هزار اعدام ممکن نیست. در ۱۰ اکتبر همراه با کارگران و اردوی مردم آزادیخواه جهان یکصدا و متحد علیه اعدام اعتراض کنیم و بویژه رژیمهای اسلامی در ایران و افغانستان را بعنوان سبلمهای جنایت و توحش محکوم کنیم.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست در اینروز همراه بشریت آزادیخواه و پیشرو، علیه بربریت آدمکشی رسمی و قانونی اعتراض می کند. مبارزه برای توقف و ممنوعیت کامل "مجازات" اعدام، لغو کلیه احکام اعدام صادر شده توسط رژیم اسلامی، هدف فوری این مبارزه است. فراخوان ما اینست همه جا علیه اعدام بعنوان قتل عمد دولتی اعتراض کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۷ مهر ۱۴۰۰ - ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۱

جلسه حضوری دفتر سیاسی

حزب حکمتیست برگزار شد

روزهای شنبه و یکشنبه ۱۱ و ۱۲ مهر ماه ۱۴۰۰ برابر با ۲ و ۳ اکتبر، جلسه حضوری دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری- حکمتیست با حضور اکثریت اعضای دفتر سیاسی برگزار شد.

مباحث این جلسه گزارشی دقیق از وضعیت و موقعیت سیاسی و تشکیلاتی حزب، بررسی مسائل تاکتیکی و مسائل کلیدی جاری و پیشاروی جنبش کارگری، تحولات سیاسی ایران و منطقه و نیازها و وظایف مبرم حزب در جوابگویی به اوضاع آتی، تدارک سیاسی پلنوم ۴۳ حزب که بزودی برگزار میشود، تصمیم در باره برگزاری کنگره دهم حزب، اقدامات ضروری در باره آمادگی لازم لایه رهبری و کارها در قبال تحولات ایران و مسائل اساسی پیشاروی حزب بود.

جلسه حضوری ارگان رهبری حزب بدنبال یکدوره شرایط تحمیل شده بدنبال پاندمی کرونا برگزار شد. نشست مباحث مهم و مفیدی را در دستور خود داشت، تصمیمات لازم را اتخاذ کرد و آمادگی لازم و بالا برای برگزاری پلنوم پیش روی را ارتقا داد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۶ اکتبر ۲۰۲۱

به دعوت تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

بمناسبت ۱۰ اکتبر روز جهانی مبارزه علیه اعدام

اعدام، قتل عمد دولتی است!

"جمهوری اسلامی بدنبال کردن برای طنابهای دارش میگردد"

ما مصمم هستیم این ماشین سرکوب را درهم بکوبیم

تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

Worker-communist Party - Hekmatist

مرگ بر جمهوری اسلامی!



تهدیدات جمهوری اسلامی علیه اپوزیسیون مسلح کردستان

و موضع ما

(فشرده سخنان رحمان حسین زاده در سمینار کلاب هاوس)

دولتهای سرکوبگر را وسوسه کرده، که فرصت اینکار رسیده است. در این چهارچوب حتی آینده دولت اقلیم کردستان در یک چشم انداز میان مدت زیر سؤال است. به نظر میرسد، همین حاکمیت دوفاکتوی موسوم به "دولت فدرال" در کردستان عراق را تحمل نکنند. برچیدن اپوزیسیون مسلح کردستان ایران و ترکیه قدم معینی در راستای این اهداف است. به این دلایل مسئله را باید بسیار جدی تر گرفت و از خود این دولت اقلیم کردستان نه تنها کاری به نفع رفع فشار از دوش اپوزیسیون مسلح ساخته نیست، بلکه در خدمت سیاست بقای روزمره این احزاب حاکم در کردستان عراق بیش از پیش به دولتهای منطقه امتیاز خواهند داد. به نظرم نشانه های معامله بزرگی بر سر اپوزیسیون مسلح دیده میشود. اظهار نظر وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی که میگوید با دولت عراق برای برچیدن این احزاب به توافق رسیده اند، این مشاهده را تاکید میکند. یادمان باشد، در چند ماه اخیر و مستمراً این موضوع در سطح مقامات بالای دولتهای جمهوری اسلامی و عراق مطرح بوده است. رئیسی آن را با نخست وزیر عراق و قیلتز وزیر خارجه شان با وزیر خارجه عراق آن را مطرح کرده و اکنون و مادام آن را تکرار میکنند. در مقابل شاهد عکس العمل مخالفت مقامات دولت عراق با اقدامات و سیاست اعلام شده جمهوری اسلامی نیستیم. در نتیجه مخاطره جدیتر از هر زمانی طرح شده و صحبت‌های نمایندگان هر دو حزب دمکرات کردستان در این سمینار و قیلتز مصاحبه های رهبران احزاب مستقر در کردستان نشان نمیدهد، که به درستی جدیت این بار مسئله را دیده باشند و منطبق با آن اقدامات خنثی کننده خود را ردیف کرده باشند. برای مثال خالد عزیز دیبیرکل حزب دمکرات کردستان هنوز در مصاحبه های اخیرش بعد از کلی گویی و بیان فرمول تکراری و غیر موثر "کردستان راه حل نظامی ندارد" چراغ سبز مذاکره را برجسته میکند. احزاب فدرالیست کردستان ایران هنوز حاضر نیستند، محکم در کنار جنبش سرنگونی بایستند و توهم به سازش و بند و بست با جمهوری اسلامی را در سر میپروانند. در هفدهم سپتامبر مسئولین اول احزاب ناسیونالیست مرکز همکاری کردستان در این رابطه جلسه داشته اند و هیچ پلان و نقشه مشخصی در جهت خنثی کردن تهدیدات جمهوری اسلامی مطرح نشده است. اتفاقاً یک بخش مهم خنثی کردن طرحهای جمهوری اسلامی جزو مسئولیتهای همین احزاب و جریانات مستقیماً مورد تهدید است.

در هر حال ما معتقدیم:

الف: حق هر حزب و جریان سیاسی مخالف جمهوری اسلامی است به هر شکل که با استراتژی و سیاستش منطبق است، فعالیت سیاسی و نظامی علیه جمهوری اسلامی سازمان دهد. مشخصاً جمهوری اسلامی از ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۸ علیه مردم کردستان اعلان جنگ کرده است. تا زمانی که جنگ جمهوری اسلامی علیه مردم و احزاب سیاسی، چپ یا راست در کردستان ادامه دارد، حق هر فرد و جمع و

با درود به حضار، شنوندگان و بینندگان و دیگر پانلیستها بحث را از اینجا شروع کنم، تحلیل و تبیین ما و نیروهای دیگر و اپوزیسیون مسلح مستقر در کردستان عراق و مستقیماً مورد تهدید هر چه باشد و بخشاً متفاوت از هم، در یک مسئله نباید تردید کرد، آن هم تهدیدات و اقدامات نظامی و حتی معامله و بند و بست احتمالی و توطئه گریهای جمهوری اسلامی و دیگر دولتهای منطقه علیه اپوزیسیون مسلح را صرفنظر از دوری و نزدیکی و تفاوت سیاسی با این جریانات، قویاً باید محکوم کرد و با هر شیوه و ابتکاری در داخل و خارج و کردستان عراق لازم است در مقابل این تهدیدات اقدام کرد و ایستاد.

در سطح تحلیلی که اینجا فرصت تحلیل همه جانبه نیست، به نکاتی اشاره میکنم. اولاً جمهوری اسلامی بخشاً زیر فشار اعتراضات رو به رشد و تنگناهای متعدد اقتصادی و سیاسی و اجتماعی که در داخل به آن روبرو شده و برای به گمراه بردن افکار عمومی و به زعم خود ایجاد رعب در شهرهای کردستان به اینکار نیاز دارد، اما باید متوجه بود، این یکی از علت ها و حتی نه مهمترین آن است. محدودنگری دیگر اینست که عمدتاً از جانب جریانات مسلح مستقر در کردستان عراق شنیده میشود، که گویا این ادامه تهدیدات و اقدامات معمول سالهای گذشته است. به نظرم چنین نیست، بلکه این واقعه را در بطن تحولات بزرگتر و فراتر از تقابل جمهوری اسلامی و جریانات مسلح کردستان باید دید. مسئله اینست جغرافیای عراق یکبار دیگر به محل تسویه حساب قدرتهای جهانی و دولتهای منطقه و به تاثیر از آن کشمکش و تعیین تکلیف با هم نیروهای قومی و مذهبی حاضر در ساختار قدرت سیاسی عراق تبدیل شده است. از جمله یک علت مهم، بازتاب هزیمت ارتش آمریکا از افغانستان و عراق و ناکامی آمریکا در پیگیری اهدافش در خاورمیانه و خلأی است که به وجود آمده است. در این شرایط دولتهای جمهوری اسلامی و ترکیه و عربستان و بعضی دولتهای دیگر در منطقه دنبال سهم بری بیشتر در آرایش سیاسی عراق و منطقه هستند. هرکدام نیروهای مذهبی و قومی نزدیک به خود را تقویت میکنند. نمایش "انتخابات" زود هنگام در عراق و در دهم اکتبر امسال و تاثیرگذاری بر نتایج آن مطرح است. از مدتها قبل لشکرکشیهای دولت ترکیه علیه پ.ک.کا در کردستان عراق تشدید شده و تهدیدات و اقدامات نظامی کنونی جمهوری اسلامی در این چهارچوب قابل توضیح است. یک فاکتور مهم دیگر که دیگر پانلیستها کمتر به آن توجه داشتند، این مسئله است که دولتهای ترکیه و جمهوری اسلامی و عراق و سوریه هم از قدیم خواسته اند، در فرصتی که ایجاد شود، از دست مسئله کرد حل نشده در منطقه خلاصی یابند، یا حداقل مسئله کرد عروج یافته در سه دهه اخیر را به موقعیت ماقبل این سه دهه برگردانند. بی ثباتی و بی لنگری کنونی جهان و به ویژه خاورمیانه این

تهدیدات جمهوری اسلامی علیه

اپوزیسیون مسلح کردستان

و موضع ما ...

اند. در شرایطی که بخش عمده اپوزیسیون راست ایران و همانهایی که در همه این سالها همین احزاب راست و فدرالیست کردستان آنها را به عنوان متحد و هم پیمان خود معرفی کرده اند، در این رابطه سکوت کرده اند. سکوت آنها و امثال رضابهلوی و مشروطه خواهان و جمهوریخواهان شورای مدیریت گذار و دیگر جریانات راست از سر بیخبری و بی اطلاعی نیست، بلکه از موضع ناسیونالیسم ایرانی، تمامیت ارضی طلب، همنوایی با تهدیدات و اقدامات نظامی جمهوری اسلامی، به زعم آنها علیه جریانات "تجزیه طلب" دارند. این واقعه بار دیگر ماهیت ارتجاعی اپوزیسیون بورژوازی و ناسیونالیست ایران و همزمان اپوزیسیون بورژوازی فدرالیست کردستان را نشان میدهد. این درس بزرگی برای صف مبارزه قاطع علیه جمهوری اسلامی و مردم در ایران و کردستان دارد.

خلاصه کنم تهدیدات و اقدامات نظامی این بار جمهوری اسلامی ادامه ساده تحرکات قبلی این رژیم نیست. این مسئله را در بطن شرایط جدید و بی ثباتی بیشتر خاورمیانه و عراق باید دید. آن را باید جدی گرفت و همانطور که اشاره کردیم، با هر شیوه و ابتکاری برای ناکام کردن جمهوری اسلامی کوشید.

این مبحث در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۱ در سمینار نقد و نظر کلاب هاوس با شرکت نمایندگان شش حزب و سازمان سیاسی به صورت سخنرانی ارائه شد. اکنون متن کتبی آن با اندک تدقیق املائی و انشایی منتشر میشود.

معلمان زندانی آزاد باید گردند!



آموزش رایگان برای همگان!

آموزش یک حق است نه یک امتیاز!

سازمان و حزبی است، مسلحانه و نظامی هم علیه جمهوری اسلامی بایستد. اما نیروی مسلح و اردوگاههای نظامی آنها قاعدتا باید نیروی ورزیده نظامی باشد که به طعمه بی آزار هجوم نظامی جمهوری اسلامی و اهداف ضد انسانی این رژیم تبدیل نشود. نیروی نظامی باید قدرت دفاع و حفاظت از خود و تعرض و جا خالی دادن و تحرک و ضربه زدن و به موقع عقب نشینی و تحمل فشار و در یک کلام مانور و خنثی کردن نقشه های دشمن را داشته باشد. رهبری این احزاب و جریانات چه در مقابل نیروی نظامی خود و چه در چهارچوب استانداردهای تقابل و ایستادگی اپوزیسیون در ناکام کردن جمهوری اسلامی در پیگیری اهداف جنایتکارانه اش موظف به کاهش ضربه پذیری و خنثی کردن طرحهای این رژیم سرکوبگر هستند و در این رابطه لازمست مسئولیت پذیر باشند.

ب- شواهد نشان میدهد کمپها و اردوگاههای نظامی اپوزیسیون مسلح فقط مکان نیروی نظامی نیست، بلکه به محل زندگی خانواده ها و بستگان و کودکان نیروی نظامی و استقرار ارگانها و نهادهای غیر نظامی و نیروی انسانی غیر رزمی هم تبدیل شده است. پدیده ای که رهبری نیروهای اپوزیسیون مسلح و از جمله اخیراً در یک اعلامیه کمیته مرکزی کومه له اعلان و به نحوی توجیه شده است. در صورتی که این وظیفه رهبری این جریانات است، از خود مسئولیت نشان دهند و نیروی انسانی غیر رزمی را اعم از خانواده ها، بستگان و به ویژه کودکان را به شهرها در همان کردستان عراق و مناطق ایمن منتقل کنند. این ساده ترین وظیفه این جریانات است که نگذارند، نیروی انسانی خود آنها به گوشت دم توپ هجوم نظامی جمهوری اسلامی تبدیل شود. در تقابل نظامی با جمهوری اسلامی، چنانکه کودکان و نیروی انسانی غیر رزمی در این کمپها تلف شوند، علاوه بر محکومیت جنایتکاری جمهوری اسلامی، سهل انگاری و بی مسئولیتی احتمالی رهبری این جریانات را هم باید تقبیح کرد و ما اینکار را میکنیم.

ج- رهبری احزاب اپوزیسیون مسلح مستقر در کردستان عراق، اگر خواستار عکس العمل مناسب کل نیروهای اپوزیسیون و افکار عمومی در مقابله با توطئه های جاری هستند، موظفند کل اتفاقات را با شفافیت به افکار عمومی اطلاع دهند و پنهانکاریهای تاکتونی و مرسوم با دولت اقلیم کردستان را کنار بگذارند. هرگونه سهل انگاری در این رابطه لازمست افشاء شود.

د- واقعه قابل توجه اینست اپوزیسیون چپ و کمونیست ایران و از جمله حزب ما با احساس مسئولیت بالا علیه تهدیدات و اقدامات و توطئه گریهای جمهوری اسلامی و دولتهای منطقه در این ماجرا موضع گرفته

آزادی، برابری، رفاه همگانی!

بحث بر سر چه نیست

پایبندی به حقیقت سنت جنبش طبقه کارگر است

سیاوش دانشور

در هفته اخیر بویژه، همراه با مبارزات شکوهمند و وسیع کارگران هفت تپه، بحث هائی بر سر "تشکل پایدار"، "ناپایدار"، "مجمع عمومی" و "سندیکا" طرح شدند. بدنبال طرح این ملاحظه توسط یکی از حاضران در جلسه کلاب هاوس که "سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه وجود ندارد"، پاسخ و بحث به سمت نامناسب دیگری رفت که شایسته نبود و به تقابلهای کاذبی شکل داد. در ادامه دیگر صورت مسئله عوض شده و دوستان مختلفی در اظهار نظر و مطلب در باب اینکه: "انشقاق ایجاد نکنیم"، "باید نفس تشکل کارگری از هر نوعش را برسمیت بشناسم و حمایت کنیم"، "نباید یک الگو را با زور به کارگران تحمیل کنیم"، "برخورد فرقه ای و حزبی به تشکل کارگری نکنیم"، "تقابل گرایشهای سندیکالیستی و شورائی در هفت تپه" و غیره طرح شده است.

من فعلاً هیچ قضاوتی روی هر بحثی نمیکنم چون قصدم وارد شدن به این مضامین نیست. اما پیشفرض همه این بحثها بروشنی اینست که سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه یک طرف درگیر، یک گرایش، یک سندیکای به هر حال دائر و فعال در مبارزات جاری کارگران است. این پیش فرض با کمال تأسف فراوان کاملاً نادرست است. بحث هیچکدام نکات مورد اشاره نیست، بحث اینست که پدیده ای به نام سندیکای هفت تپه سالهای طولانی است در مبارزه کارگران هفت تپه حضور ندارد و فعالین مستقل کارگری هم خودشان را نه عضو سندیکا میدانند نه از سندیکا سخنی در میان بوده و نه حتی علیه آن حرفی زده اند. آنها با این همه بدبختی بفکر مشکلات فوری شان هستند، اعتصاب کردند و هزاران نفر را بیرون کشیدند، مشغله شان بقای شرکت است. اخیراً مجدداً اعلام کردند که شورای پنج هزار نفره تشکل آنهاست. آیا اصولی و به نفع جنبش کارگری است که آنچه را که وجود خارجی ندارد بجای آنچه الان وجود دارد، یا آنکه از نظر ما خوبست وجود داشته باشد، بگذاریم؟ مستقل از نظر و دیدگاه مان این سوال را از خود پرسیم این چه بدعتی است، چرا حقیقت جوئی و حقیقت گوئی که سنت کارگر و کمونیسم بوده است را کنار می گذاریم، چه منفعتی داریم، کارگران چه نفعی میبرند؟

بحث بر سر سازمان توده ای کارگران در محل کار است. این کلمات در بحث ما کلیدی اند: سازمان توده ای کارگران که طبق تعریف تشکل فابریک و یا تشکل پایه است. اما فعلاً کدام تشکل مطلوب است، چگونه باید باشد، کارگران چه میخواهند، نظر موافق و مخالف چیست، کارنامه و سیاست شان چه بوده است را کنار می گذاریم. بحث بسیار مشخص است: آیا سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه وجود خارجی دارد؟ اگر آری، چطور و کجای مبارزات هفت تپه قرار دارد؟

با نگاهی با ادبیات و برخورد سیاسی بخش مهمی از سازمانها و احزاب چپ اپوزیسیون تا نهادهای فعالین کارگری، از رسانه های فارسی زبان تا کانالهای سوشیال میدیا و تشکلهای داخل کشور، کمابیش این تصور و تصویر را القا می کنند که مبارزات کارگران هفت تپه تحت رهبری و یا

توسط تشکل خاصی بنام "سندیکای کارگران هفت تپه" صورت میگیرد. اخبار و مسائل این مجتمع را آگاهانه با این نام منعکس میکنند، همراه آن اطلاعات و قطعنامه و بیانیه صادر می کنند، فراتر از آن ادعا دارند که سندیکا "تشکل پایدار" کارگران هفت تپه است. حقیقت اینست که کل این ادعا صاف و ساده غیر واقعی و مبتنی بر انکار

حقیقت است. این انکار حقیقت چند دلیل میتواند داشته باشد: اول، کل این مجموعه مدافعان کارگر و جنبش کارگری مطلقاً از مهمترین و پر سر و صداترین بخش جنبش کارگری ایران خبر ندارند. دوم: خبر دارند و حقیقت را آگاهانه با اهداف خاص انکار می کنند. سوم: از موضع سندیکالیسم با سیاست شورائی و بمیدان کشیدن توده کارگران مشکل دارند و بجای آن افراد خاصی را بجای کارگران و بعنوان "ریش سفیدهای جنبش کارگری" برجسته می کنند.

چرا ادعایشان مبتنی بر انکار حقیقت است؟

اول، سندیکای هفت تپه وجود خارجی ندارد. آنچه از این نهاد در بیرون دیده میشود یک کانال تلگرامی است که حتی از اخبار روزانه هفت تپه خبر ندارد و معلوم است گزارشاتش که بعضاً روزها بعد و گاه و بیگاه آن جمع آوری شده از کانالهای واتساپی و دیگر منابع خبری کارگران هفت تپه است. کانالی که معلوم است تماسی روزانه با بدنه کارگری منتسب به این سندیکا و نام کانال ندارد و مسائل و مشکلات و مباحث کارگران در آن منعکس نمی شود. از این هم بگذریم که اگر یک مقدار با ادبیات کف کارخانه و زبان فنی محیط کار آشنائی داشته باشید، متوجه میشود که مطالب این کانال بشدت با این مجتمع غریبه است.

از این گذشته، بطور واقعی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در سال ۹۶ تمام شد. این سندیکا بمدت هشت الی نه سال موجودیت داشت. در سال ۸۷ تشکیل و در مبارزات آندروه اول کارگران هفت تپه نقش مهمی ایفا کرد. سرکوبها و اعمال فشارها موجب شد که سندیکا بتدریج غیر فعال شود و عملاً در سال ۹۳ و ۹۴ دیگر سندیکائی که دربرگیرنده کارگران هفت تپه باشد وجود نداشت و تماماً غیر فعال شده بود. اعضای هیئت مدیره آن عمدتاً بتدریج بازنشسته شدند و از فعالیت سندیکائی دست کشیدند. اعضای هیئت مدیره مانند آقایان نجات دهلی، قربان علیپور، علی نجاتی، محمد حیدری مهر و رحیم بسحاق بازنشسته شدند. مابقی اعضای هیئت مدیره که هنوز در شرکت هستند عبارت بودند از جلیل احمدی که رئیس شورای اسلامی کار شد، فریدون نیکوفرد و رضا رخشان که به صراحت بسیار روشنی عامل و مدافع کارفرما شدند. تنها فرد باقیمانده کرامت پام بود که وی هم نه فعالیتی بنام سندیکا داشت و نه حتی در مبارزات کارگران مرتب شرکت میکرد و این اواخر رسماً کنار اسدیگی قرار گرفت. یعنی از کل اعضای هیئت مدیره سندیکا کسی باقی نماند. آنچه ماند یک کانال تلگرامی بود. وانگهی در پنج سال گذشته هر مبارزه هفت تپه با مجمع نمایندگان و فعالینی که همه می بینند پیش رفته است. شما هیچ جا اثری از سندیکا و حتی نام سندیکا نمی بینید. اصرار بر اینکه سندیکا وجود دارد در حالی که یکنفر بیرون هفت تپه و بیرون محیط کار مثل آقای نجاتی مدعی آنست، چه کمکی به تشکل کارگران هفت

بحث بر سر چه نیست

پابندی به حقیقت سنت جنبش طبقه کارگر است ...

تپه و سیاست احیای سندیکا می کند؟

بدنبال اوضاع پیش آمده و بی تحرکی و اتمام سندیکا در همان سالهای ۹۵ الی ۹۷، پایه های فعالیت جدیدی توسط نسل دیگری از کارگران از جمله اسماعیل بخشی ریخته شد و در اوج مبارزات گسترده دوره جدید کارگران هفت تپه در سال ۹۷ و انتخابات در ادارات و قسمتها، مجمع نمایندگان کارگری اعلام موجودیت کرد. مجمعی که روش کار شورائی را برگزید. این سالها بین کارگران هفت تپه با افراد باقیمانده از سندیکا مانند رضا رخشان و فریدون نیکوفرد و جلیل احمدی تقابل وجود داشت که اولی را همان دوره پیش سندیکا اخراج کرده بود. رخشان و نیکوفرد در ضدیت کامل با کارگران اطلاعیه به اسم سندیکا هم صادر کردند. برهمه روشن است که این دو نفر در کنار کارفرما در مقابل فعالین دوره جدید ایستادند. تشکل جدید اتفاقاً از دل سندیکا بیرون نیامد، حاصل کار بیرون سندیکا و در درون کارگران و مجتمع بود. در سال ۹۷ مجدداً تهاجم به کارگران شروع شد و اسماعیل بخشی و بیش از بیست نفر از کارگران را بازداشت و زندانی کردند. بعد از سرکوبها و اخراج ها، کارگران در قالب "فعالین مستقل" فعالیت را از سر گرفتند اما سنت مجمع نمایندگان و متکی شدن به مجمع عمومی و بقول کارگران خرد جمعی را هر روز تقویت کردند و تا امروز بارها اعلام کردند که تشکل مورد نظر و وثوق کارگران همین سنت شورائی و مجمع نمایندگان است که در مراحل مختلف با دولت و مجلس و کارفرما و هر ارگانی که لازم باشد طرف مذاکره و نمایندگی کارگران است. هیچ بنی بشری حتی یکبار طی این سالها نشنیده است که به فراخوان "سندیکا" اعتصاب و اعتراضی صورت گیرد و یا حتی کسی از جانب سندیکا و بعنوان عضو سندیکا سخن گفته باشد. اما تابلویی به اسم سندیکای کارگران هفت تپه وجود دارد. این شد تشکل کارگری پایدار!؟

سوال: چرا باید طیف وسیعی از فعالین موسوم به کارگری، سازمانهای مدعی چپ و سوسیالیسم و مدافع جنبش کارگری، حتی هواداران خوش نیت منافع کارگران از پدیده ای دفاع کنند که وجود خارجی ندارد؟ آیا اینرا صرفاً میتوان با سکتاریسم و فرقه گرایی و بقول شما "قیم مابی" توضیح داد؟ اگر این بود، تذکر چند نکته ساده و توضیح منافع طبقاتی و درازمدت در جنبش طبقه کفایت می کرد. آیا باید قبول کنیم که خط مردم داری، شیوه برخورد نه سیخ بسوزد و نه کباب، روحیه نیم کلاج رد شدن در مقابل مسائل واقعی، مسائل را "خانوادگی" دیدن و بیرونی اعلام نکردن، و این قبیل روحیات کدخدانمشانه و مختص جنبشهای خرده بورژوائی موجب شده که منافع بسیار بزرگتر و حرکتهای اصیل کارگری را به حاشیه براند؟! واقعاً باید قبول کرد که همه اینها صرفاً از بی اطلاعی ناشی میشود و یا منافع دیرپاتر طبقاتی ای هدایت کننده این نوع مواضع است؟ اگر این طیف وسیع که در رویا و تخیل سیر میکنند و در ذهن خود کاخی پوشالی ساخته اند را باور کنیم، یعنی اگر قبول کنیم اینها از هیچ چیز خیر ندارند و معصومانه ذهنیت و ترجیح فکری خود را جای واقعیت گذاشته اند و لذا تلاشهای دیگران را به حساب سندیکا ریخته اند، باید گفت که بسیار تأسف بار و تراژیک است. این

دوستان عزیز مرتباً به دیگران میگویند "غیر کارگری" اند و سالهاست روی توسن خیال می تازند و امروز ظاهراً دارند متوجه می شوند که بقول معروف قبری که روی آن گریه میکنند، مرده توش نیست!

دوم: خبر دارند و حقیقت را آگاهانه با اهداف خاص انکار می کنند. آیا میتوان قبول کرد که انواع نهادها و سازمانهای منتسب به منافع کارگران و جنبش کارگری با ادعاهای عجیب از جمله بردن آگاهی میان کارگران و تلاش برای متشکل کردن و یا کمک به ایجاد تشکل کارگران، حقیقت را قربانی اهداف خاص و محدود کنند؟ اگر خبر از اوضاع داشته اند اما حقیقت را انکار کرده اند، آیا آموزگاران "فرقه ای عمل نکنید" خودشان بدترین روش فرقه ای را بکار نبسته اند؟ به این ترتیب نمیتوان گفت آنچه که طی این سالها علیه دیگران گفته اند خود تجسم عینی آنهاست! سوال دیگر اینست که کدام منافع موجب میشود که حقیقت را انکار کرد؛ واقعیت را وارونه کرد، جدلهای کاذب مانند "تقابل شورا با سندیکا" راه انداخت تا برای همین منافع پوشش و خاکریزی درست کرد؟ کدام منافع این سیاست غیر کارگری و علیه اصیل ترین حرکت کارگری جاری را توجیه میکند؟ برای این کارگران چه پاسخی دارند؟

سوم: از موضع سندیکالیسم با سیاست شورائی و خرد جمعی و بمیدان کشیدن توده کارگران مشکل دارند و بجای آن افراد خاصی را بجای کارگران و بعنوان "ریش سفیدهای جنبش کارگری" برجسته کنند. با عقل جور در نمی آید که عده زیادی از فرط بیخبری فریب خورده باشند و یکی دو نفر بدلیل منافع خاص فردی عده زیادی را سراغ نخود سیاه فرستاده باشد! چطور میتوان قبول کرد سندیکائی یکنفره بخش مهمی از اپوزیسیون و چپها و افراد را "فریب" داده باشد؟ باز هم فرضیه دوم نیز که خبر داشته اند و آگاهانه انکار کردند و حقیقت را وارونه کرده اند، در خوشبینانه ترین حالت اینست که از مبارزات کارگران حمایت کردند اما با خط حاکم به آن توافق نداشتند و لذا تلاش داشتند با اینگور کردن و حاشیه ای کردن رهبران آن و مجمع عمومی از یکسو و برجسته کردن سندیکا و سندیکالیسم از سوی دیگر، از اعتبار آنها نفع سیاست خودشان بهره جویند تا بلکه زمانی ورق را بفع اهداف سندیکالیستی و رفرمیستی برگردانند. و این ما را به فرضیه سوم میرساند. بله، میتوان عموماً از مبارزات کارگران هفت تپه و اداره شورائی و کارگران قهرمان هفت تپه دفاع کرد اما سندیکای ناموجود را مثل تاجی بر سر آنها نهاد! معامله خوبی است، جان کندن از تو- سهم بری از من! فقر و فاقه از تو- اعتبار و بهرجوئی از من!

براستی این پدیده غیر قابل توضیح است، غیر قابل فهم نه، غیر قابل توضیح! چرا که ترکیبی از سادگی و مرتبط نبودن با واقعیت بیرونی همراه با سکتاریسم و زندگی در تخیل و ادعاهای عجیب در هم آمیخته که در نوع خودش بی نظیر است. این خط برخلاف ادعایش با رادیکالیسم کارگری مخالف است و وسط اعتصاب کارگری علیه مجمع عمومی این سخنان را میگوید. این خط از موضع ضد قیم مابی، بخشا علیه تحزب است اما همزمان حاضر است منافع یک یا چند نفر را بر منافع یک جنبش واقعی ترجیح دهد. این خط ادعای دمکراسی درونی میان کارگران را دارد اما همزمان با مجمع عمومی بعنوان آزادترین شکل دخالت کارگران درمی افتد. این خط به اراده و تصمیم کارگران هرچه باشد تن نمیدهد اما حاضر است در دنیای خیالی خود از یک نفر بازنشسته محترم هرکول بسازد. این خط، اگر نه همه، اما عموماً ضد شورا است، ضد مجمع عمومی است، میگوید شورا مال دوره انقلابی است، مجمع عمومی هم تشکل نیست، اگر هم باشد پایدار نیست، سندیکا پایدار

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست به مناسبت دهم اکتبر

نه به اعدام!

" پس این چه نوع جامعه ای هست که جز جلا دهی ابزار دیگری برای دفاع از خود نمی شناسد؟ "

(مارکس - ۱۷ فوریه ۱۸۵۳ در " نیویورک دیلی تریبون)

از زمانی که مالکیت خصوصی پدید آمد و جامعه به طبقات تقسیم شد، بکارگیری قهر و خشونت سازمان یافته دولتی توسط طبقات حاکم علیه فرودستان روشی معمول و مرسوم بوده است. این سلطه دولتی طبقات حاکم همواره با شکنجه و اعدام عجین بوده است. اعدام قتل عمد دولتی است. اقدامی برای حفظ سلطه بورژوازی حاکم بطور کلی است. توجیهات دول مجری حکم اعدام دال بر اینکه این شیوه مجازات در کاهش قتل و خشونت از جانب شهروندان بزهکار و تقویت "امنیت شهروندان" موثر است، توجیه کردن و سرپوش گذاشتن بر این عمل جنایتکارانه است. علاوه بر مخالفان سیاسی که آشکارا برای حفظ سلطه طبقه حاکم به جوخه اعدام سپرده میشوند، زندانیان مرتکب جرائم عادی نیز قربانی نظام های طبقاتی تولید کننده نابرابری و بیعدالتی اجتماعی هستند. در عصر ما، نظام سرمایه داری با بازتولید روابط سلطه سرمایه، فقر هرچه فزاینده تر را در یک قطب و سرمایه و ثروت را در قطب دیگر در دست اقلیتی متمرکز می کند. آنوقت در پاسخ به بزهکاری ناشی از این فقر و تنگدستی، حکومت ها افرادی را که قربانی این نظام هستند، زندانی و اعدام می کنند.

با وجود اینکه شمار قابل توجهی از کشورها به الغای مجازات اعدام کمر همت بسته اند که آنها در نتیجه مبارزات چندین ساله طبقه کارگر و نیروهای آزادیخواه جامعه بوده است، متأسفانه تعداد قربانیان این مجازات غیرانسانی کماکان بالاست. بنا به گزارش «سازمان عفو بین الملل»، ۴۸۳ نفر در سال ۲۰۲۰ در جهان اعدام شده اند. کشورهای چین، ایران، مصر، عراق و عربستان سعودی به ترتیب بیشترین شمار اعدام شدگان را به خود اختصاص داده اند. جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن جمعیت این کشورها، صدرنشین اعدام سرانه در جهان است. طبق همین گزارش دولتها در ۱۴۰ کشور به شکنجه زندانیان دست میزنند. در این حوزه نیز جمهوری اسلامی جایگاه ننگینی دارد، آمار رسمی نشان می دهد که در سال های اخیر در زندان های ایران، ۷۲ زندانی زیر شکنجه به قتل رسیده اند.

نگاهی به جزئیات اجرای حکم اعدام در جمهوری اسلامی ایران باز هم دریچه های بیشتری را به سوی این دوزخ باز میکند. در گزارش امسال «حقوق بشر ایران»، شمار اعدام شدگان در جمهوری اسلامی ۲۶۷ نفر قید شده است که در میان آنان، ۴ «کودک» دیده می شوند. یک نفر نیز به جرم نوشیدن نوشابه الکلی اعدام شده است. خطر اعدام همچنان زندانیان متعددی را تهدید می کند. بنا به گزارشات رسمی تعداد نه چندان کمی از زندانیان سیاسی در زندان های مختلف از جمله در زندان های اهواز، اصفهان، ارومیه، شهرهای کردستان، زاهدان و مشهد اعدام شده اند. با تمام این خشونتها، ادامه جنیش های اعتراضی سراسری کارگران، معلمان، زنان، دانشجویان، بازنشستگان و... علیه سیاست های اقتصادی - سیاسی رژیم، علیه فساد، اختلاس، تورم و گرانی و نیز علیه مدیریت جنایت بار پاندمی مرگبار کرونا نشان میدهد که ما وارد دوران جدیدی از جنیش های اجتماعی در ایران شده ایم.

در مقابل، نظام سرمایه داری مذهبی در ایران، پسا خیزش های دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ از سوئی و اعتصابات و اعتراضات گسترده کارگران و حقوق بگیران ثابت که اعتصابات کارگران پروژه ای صنعت نفت و کارگران نیشکر هفت تپه درخشان ترین نمونه های آنها هستند، از سوی دیگر، با انتصاب رئیسی، این قاضی مرگ و جنایتکار علیه بشریت، شمشیر را از رو بسته و شیوه ارعاب باز هم بیشتر را در پیش گرفته و استفاده باز هم بیشتر از قتل دولتی و احکام قرون وسطایی دیگر را در دستور کار خود گذاشته است. در چنین شرایطی تشدید مبارزه علیه حکم شنیع اعدام بیش از پیش باید در دستور کار رزمندگان طبقه کارگر و همه آزادیخواهان و حرکت مداوم به سوی سوسیالیسم قرار گیرد تا عرصه را بیش از پیش بر حکومت سرمایه داری اسلامی تنگ تر کند. ما خواهان لغو فوری مجازات اعدام و ابطال تمام احکام صادر شده در این جهت هستیم. روز ۱۰ اکتبر، روز جهانی علیه اعدام، با صدای بلند برای لغو مجازات اعدام به میدان بیاییم.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی! زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۱۶ مهر ۱۴۰۰ - ۸ اکتبر ۲۰۲۱

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

بحث بر سر چه نیست

پابندی به حقیقت سنت

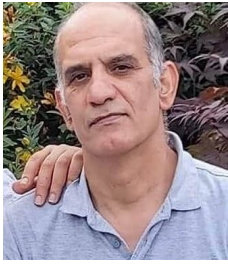
جنبش طبقه کارگر

است ...

است، اما حاضر است؛ سفید را سیاه، ضد حقیقت را حقیقت بنمایاند! این خط هرچه هست، با این محاسبات و پیچ و تاب خوردن ها فقط نیرو به راست میدهد و چوب لای چرخ مبارزه کارگر رادیکال میگذارد.

و بالاخره، مدافعان این دیدگاه که حقایق را میدانند و از آن اطلاع دارند، نه فقط سکوت می کنند بلکه با نام تشکلهای داخل کشوری یا "سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه" بجای کار واقعی مرتبا بیانیه سیاسی مشترک صادر میکنند و به این ناحقیقت ردای حقیقت می پوشانند. دلیل شاید ساده است؛ همه در یک کشتی نشسته اند! اگر امروز علیه یک ناحقیقت صدايت را بلند کنی؛ این ستر دم خانه خودت هم میخوابد! از خودت هم خواهد پرسید که شمائی که ادعای این و آن را داری خودت وضعیت چیست؟ باید صمیمانه و در خدمت ارتقای تشکل و اتحاد طبقه کارگر همه نیرویمان را بگذاریم. حقایق را ببینیم و راه حل برون رفت پیدا کنیم، این روشها یک اپسیلون به قدرتگیری کارگران کمک نمیکند. دو روز آنطرف تر را هم ببینیم.

هفتم اکتبر ۲۰۲۱



تشکل پایدار و ناپایدار، فرمولی برای ایجاد تفرقه

پاسخی به اظهارات سران سندیکای شرکت واحد

جاوید حکیمی

و بیشتر را مجمع عمومی دارد انجام میدهد. شورای پنج هزار نفره یعنی هرکسی کارگر هفت تپه است، میز عضوگیری نگذاشته است، به اعتبار کارگر بودن در محل کار عضو شورا است و حق مساوی دارد. حالا شما میگوئید این "تشکل" نیست و "پایدار" نیست، انتظار دارید قبول کنیم که مثلا محافل یکی دو نفره و چند نفره که اسمشان را تشکل و پایدار گذاشته اند، دردی از سازماندهی طبقه کارگر و اتحاد و تشکل بیشترش دوا می کند؟ ای کاش در هفت تپه سندیکا بود، ای کاش حضور داشت و میشد دید که این افراد با این سیاستها از سندیکا هستند، در اعتصاب حضور فعال دارند و برای کارگران زحمت می کشند. این را از صمیم قلب می گویم و دخلی به این ندارد که مدافع مجمع عمومی و سنت شورائی ام. اما هم عقل سلیم و هم یک ذره توجه منصفانه به هفت تپه نشان میدهد که هیچ ردی از حضور پدیده ای به نام سندیکا در این جوش و خروش هفت تپه نیست. سالهاست نیست. با اینحال، آنها یعنی فعالین در هفت تپه و دیگران کاری به شما نداشته اند، حتی اسم تان را نبرده اند، اما شما و نماینده سندیکای هفت تپه درست در این اوضاع مشغول این بحث و نفی مجمع عمومی بنفع سندیکا آنهم بعنوان تشکل پایدار میشوید! انتظار دارید این دیده نشود! خب فرض کنیم نظرتان را گفته اید و اشکال ندارد. ما حتی از همین سندیکاهای بریده از بدنه و ناتوان از سازماندهی موضوع کارش بعنوان عنصر و جمع و سرمایه های جنبش کارگری در برابر تعرض حکومت دفاع کرده ایم و خواهیم کرد. حساب این جداست. لیکن اقداماتی مانند طرح "دو قطبی کاذب تشکل پایدار و ناپایدار"، آنهم وقتی مدعی بحث خودش نه میتواند در مبارزه حی و حاضر و جاری به هر دلیلی حضور داشته باشد و نه میتواند در حمایت از آن بازم به هر دلیلی کاری بکند، بسختی بتواند سدی باشد در برابر عروج جنبش مجامع عمومی سازمان یافته.

از سندیکای هفت تپه که از هیئت مدیره سابقش تنها یک بنیانگذار بازنشسته دارد و یک کانال تلگرامی می گذریم. پای دیگر بحث تشکل پایدار و ناپایدار یعنی سندیکای شرکت واحد اما ارزش نقد و بررسی دارد. هر چه باشد هم طول و عرض سندیکای واحد بسیار بزرگتر از آن تشکل تک نفره است و هم هر سه نفر گرداننده آن برای جامعه مشخص هستند. حسن سعیدی از جمله کارگران محبوب و خوشنام عضو این سندیکاست که معتقد است مجمع عمومی اصلا تشکل نیست. این یک بحث نظری است که می شود در باره صدق و کذب آن استدلال آورد. اما چنانکه گفته شد هدف اصلی دوستان چیز دیگری است. درست به همین دلیل حسن سعیدی هم از اینجا شروع نمی کند. سعیدی رک و بی پروا می گوید: "اجازه می خواهم بی مقدمه سراغ اصل بحث بروم." و اصل بحث عبارت از چیست؟ تقلیل مبارزات شکوهمند هفت تپه. گوش کنید؛ "آن چیزی که در هفت تپه اتفاق افتاده یک رویداد کاملا طبیعی است که در تمام مراکز تولیدی رخ می دهد. کارگران هفت تپه چندین ماه حقوق نگرفته اند و برای همین تجمع کرده اند. البته مطالبه شان خلع ید از بخش خصوصی هم بوده که آن هم خوشایند ماست.

تردید و تعارف نکنیم. مباحثی که این روزها ذیل عنوان وبژگی های تشکلات مستقل و پایدار در دنیای مجازی راه افتاده کمترین ارزش نظری و تئوریک ندارد. آن، صرفا کمپینی است علیه مجمع عمومی هفت تپه و متاسفانه در نابهنگام ترین زمان ممکن، یعنی دوره اعتصاب و وقتی که کارگران به بیشترین حمایت نیاز دارند. آنچه در این مباحث مشاهده می شود چیزی نیست جز تقلیل و مصادره مبارزات هفت تپه، تخریب تشکل مجمع عمومی به مثابه شورای پایه و نگاه از بالا به سازماندهندگان این تشکل توده ای. این نه یک بحث تئوریک راجع به تفاوت سندیکا و شورا بلکه جنجال علیه یک مجمع عمومی حی و حاضر و رزمنده است. مجمعی که لشکری وسیع از کارگران را دارد و مستقیما در امر مشترک خود تصمیم میگیرد. خب دوستان گرامی، به نظرتان در وسط یک اعتصاب و اینکه دنیا می بیند که رهبران و نمایندگان کارگران هفت تپه با اتکا به سنت مجمع عمومی و خرد جمعی توان و صلاحیت بسیج وسیع ترین بخش کارگران را دارند، شما واقعا میخواهید با بحث "سندیکا تشکل پایدار است و مجمع عمومی تشکل نیست و ناپایدار است"، چه خدمتی به این مبارزه و طبقه کارگر بکنید؟ تخریب یک مجمع عمومی رزمنده که فی الحال به الگوی مبارزاتی سایر بخش های کلیدی طبقه کارگر به ویژه نفت و گاز تبدیل شده، فراتر از تنگ نظری و سکتاریسم است. آیا این پروژه ای است به قصد ایجاد تفرقه در صفوف طبقه کارگر درست در بزنگاه اعتلای جنبش کارگری و گسترش ایده تشکیل مجامع عمومی؟

ما همواره گفته ایم در شرایط استبداد سیاسی و بن بست رفرمیسم هیچ تشکل پایداری اعم از اتحادیه و سندیکا و غیره پا نمی گیرد. دولتی که موسوی و کروبی را حصر خانگی میکند و خاتمی را ممنوع التصویر، محال است به رضا شهابی و علی نجاتی اجازه مانور بدهد. باید فضای سیاسی به درجه ای باز باشد تا عضو هیئت مدیره سندیکا بتواند به امر اصلی سندیکا یعنی سازماندهی بپردازد. پاسخ ما به شرایط اختناق سیاسی و استبداد پلیسی حاکم، کمک به برپایی جنبش مجامع عمومی، منظم کردن آنها و در صورت توازن قوای مناسب اعلام و تشکیل شوراهای کارگری است. تنها با شروع از مجمع عمومی و تلاش برای ارتقای سنت جنبش شورایی است که میتوان متناسب با توازن قوا جلو رفت، تعادل خود را حفظ کرد و با یک امنیت نسبی همواره در میدان بود. این سیاست سازماندهی همیشگی ما بوده است با این همه به تاکید گفته ایم ما حامی هر شکلی از سازمان یابی مستقل طبقه کارگر از دولت هستیم ولو یک تعاونی مصرف باشد.

چنانکه می دانیم فی الحال و در زمین واقعی مبارزات کارگری در مراکز کار جز تکیه به تشکیل مجمع عمومی، هیچ تشکل توده ای دیگری وجود خارجی ندارد. تشکل توده ای، تشکل کارگری، پایدارترینش، بالاخره باید کارگران را نمایندگی کند، دربرگیرنده کارگران باشد و کارگران در مبارزه شان به آن اتکا کنند. همه اینکارها

تشکل پایدار و ناپایدار، فرمولی برای ایجاد تفرقه

پاسخی به اظهارات سران سندیکای شرکت واحد ...

اگر کارگران شرکت واحد هم نظیر هفت تپه ای ها حقوق معوقه می داشتند حتما تجمع می کردند و پس از دریافت آن پراکنده می شدند. می خواهم بگویم مجمع عمومی هفت تپه که عده ای به اسم شورا برایش کف می زدند در واقع چیزی نیست جز تجمع موقت کارگران بی حقوق و فاقد تشکل".

این سخنان، تحریف آشکار واقعیت و تقلیل غیرمنصفانه مبارزات حماسی و شکوهمند پایتخت اعتصاب جهان است. حسن سعیدی خوب می داند صدها واحد تولیدی کوچک و بزرگ طی این سالها بکل از صحنه اقتصاد ایران محو شدند، علیرغم آنکه کارگران نشان به خاطر دستمزدهای معوقه اعتراض کرده بودند. هفت تپه با مطالبه حقوق به میدان نیامده بود که با دریافت چندروزه صحنه را خالی کند. چند هزار بار رهبران هفت تپه باید بگویند ما برای بقای شرکت تجمع می کنیم نه فقط پرداخت حقوق معوقه. چند هزار بار بگویند اولویت اول ما خلع ید از بخش خصوصی است نه دستمزدها. کدام کارگری این جمله اسماعیل بخشی را نشنیده است که گفت؛ ما با کسانی که حرمت کارگر را می شکنند بر سر هیچ مطالبه ای مذاکره نمی کنیم. مگر ابراهیم عباسی هر روز فریاد نمی زند حقوق معوقه مطالبه آخر ماست. آیا نمایندگان مجمع عمومی در دور اول اعتراضات به خاطر مطالبه حقوق معوقه دستگیر شدند؟ آیا اسماعیل بخشی بازداشت، شکنجه و تا پای اعدام رفت فقط برای طلب دستمزد؟! همبستگی طبقاتی و ضرورت رعایت حرمت حسن سعیدی به مثابه یک کارگر شریف به انسان اجازه نمی دهد خطاب به هم طبقه ای خود تند حرف بزند. آخر دشمنان طبقاتی اگر حقیقت را کتمان کنند بر آنان حرجی نیست اما یاران خودی چرا؟

این عضو هیئت مدیره سندیکای واحد می گوید مجمع عمومی تشکل نیست؟ چرا؟ چون حداقل دو نشست، کارگران هیچ نماینده و سخنگویی به ما معرفی نکرده اند. عجب! هفت تپه تا همین جا به اندازه کل تاریخ جنبش سندیکایی نماینده و سخنگوی پرشور تحویل جامعه داده است. میتوانم بپرسم راستی خودت کی مجمع عمومی برگزار کردی و چه تعداد کارگران واحد در آن شرکت داشتند؟ می گوید من برای انجام پروژه های مشترک در بُعد ملی نمی دانم در هفت تپه به چه کسی مراجعه کنم. جل الخالق!! عالم و آدم رهبران و نمایندگان کارگران هفت تپه را می شناسند، اما حسن سعیدی، نمایندگان واقعی و صاحب انوریت هفت تپه را نمی شناسد؟ وانگهی آن کدام "پروژه ملی" است که حسن سعیدی می تواند با همکاری سندیکای تک نفره هفت تپه پای اجرای آن برود اما به اتکای مجمع عمومی پنج هزار نفره خیر؟ سعیدی اگر راست می گفت و اهل عمل بود مجمع عمومی هفت تپه را الگوی کارگران شرکت واحد قرار می داد تا سندیکایشان چنین زمینگیر نشود. او برعکس، کار سخت تر را می کند و خطاب به هفت تپه ای ها می گوید کجاست تشکل پایدارتان! آیا او می خواهد مجمع عمومی پنج هزار نفره "ناپایدار" را متلاشی کند و از آن سندیکای "پایدار" چند نفره بسازد؟

خود می گوید مجمع عمومی تشکل نیست مگر اینکه نمایندگان ثابت خود را تحت عنوان شورا یا هر چه خودشان دوست دارند به ما معرفی کنند. می گوید نمی شود یک عده پشت سنگر مجمع عمومی پنهان شوند و ادعای داشتن تشکل کنند. تشکل هفت تپه باید تابلو و دفتر و دستک داشته باشند و مثل ما تاوان آن را بپردازد. دست مریزاد به این سطح بالای منطق و استدلال. خب لابد عقلشان رسیده است، لابد تجربه ای دارند، دشمنان شان قوی و بیرحم است، چند صد پرونده قضائی دارند، چرا آلا بلا باید راه شما را بروند؟ اصلا چرا شما کار خودتان را نمی کنید و آنها را به حال خود نمی گذارید که کار خودشان را بکنند؟ اگر شما راه بهتری نشان دادید باور کنید از هر سوراخ کارگران حمایت می کنند. ما بارها اعلام کرده ایم یک علت برتری و مطلوبیت مجمع عمومی نسبت به سایر اشکال سازمان یابی، همانا امکان حفظ امنیت شغلی و جانی کارگران فعال و رهبران عملی است. حضور آحاد کارگران و پذیرش مسئولیت برابر با نمایندگان پرشور، بهترین سپر امنیتی است برای حفظ رهبران عملی از تیغ تیز سرکوب ماموران امنیتی. برای اینکه اثبات شود سندیکا تشکل پایدار است و مجمع عمومی خیر، نیاز نیست اصل را ول کنید و فرع را بچسبید. اصل همین محتوای واقعی تشکل یعنی متحد کردن کارگران و بمیدان کشیدن آنهاست، فرع هم همان دفتر و دستک و تابلو که شما بیشتر به آن علاقه دارید. وقتی شما اینرا میگویند شنونده فوری این سوال در ذهنش پدیدار میشود که دوستان گرامی، شما که بلدید چطور تشکل بسازید و پایدار نگهدارید، وضع خودتان چطور است؟ کی مجمع گرفتید، سندیکا چقدر دربرگیرنده کارگران است، چرا خط آبی را در تهران به فراخوان سندیکا و برای خواست های خودتان از جمله بازگشت به کار اخراجی ها و تحمیل سندیکا بعنوان سخنگوی کارگران به اعتصاب نمی کشید؟ چرا مثل هفت تپه عمل نمی کنید؟ چرا در پایانه ها مجمع عمومی برگزار نمی کنید؟ و شما جوابی برای این سوالات ندارید! مگر اینکه بگویند نمی شود!

متأسفانه سندیکای شرکت واحد همچون همتای هفت تپه ای خود فقط بیانیه صادر می کند. متأسفانه سران سندیکا بنظر سالهاست رابطه شان با بدنه خود سست و سست تر شده است. حتی از برگزاری مجمع عمومی سالانه و روتین جهت ارائه گزارش کار، انتخابات مجدد، ابقای نمایندگان شایسته و عزل اعضای مزدور خود مانند ترابیان عاجزند. حالا گوش کنید داود رضوی در توجیه چرایی عدم برگزاری مجمع عمومی بطور کلی و از جمله مجمع سندیکای واحد چه می گوید:

"مجامع عمومی همه جا تنها در شرایط اعتراض به حقوق معوقه و مطالباتی از این دست برگزار می شود. خوشبختانه کارگران شرکت واحد به دلیل داشتن تشکل پایدار به چنان درجه ای از آگاهی طبقاتی دست یافته اند که اجازه نمی دهند حتی یک ساعت هم تاخیر حقوق داشته باشند". حالا در پرتو این "آگاهی طبقاتی" راز پایدار بودن سندیکا روشن می شود. چون کارگران این شرکت به چنان درجه ای از آگاهی طبقاتی رسیده اند که دچار مصیبت تعویق حقوق نشوند، اعتراضی وجود ندارد تا مجمع عمومی تشکیل شود و حتی چون شرایط امنیتی است مجمع عمومی سالانه هم برگزار نمی کنند. آقای داود رضوی گرامی، میدانید از ضعف سندیکا فضیلت می سازید؟ آیا نیازی هست برای تقلیل مجمع عمومی به این موضع بیافتنید؟

جهت اطلاع دوستان سندیکالیست و صاحبان تشکلهای پایدار چند کلمه راجع به مجمع عمومی بگوئیم. مجمع عمومی یک تشکل

متأسفانه رضا شهابی همان مدعای حسن سعیدی را به زبانی به مراتب زمخت تر تکرار می کند. شهابی نیز همچون سایر دوستان سندیکالیست

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای
را همه جا ایجاد کنید!
در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید!
امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان
حاکمیت!

تشکل پایدار و ناپایدار،

فرمولی برای ایجاد تفرقه

پاسخی به اظهارات سران سندیکای شرکت واحد ...

کارگری است و نه صرفاً جمعی از کارگران گرسنه و عصبانی. مجمع عمومی تشکل است چرا که نظم و قاعده و سامان دارد. در این مدرن ترین، متمدن ترین و پرولتری ترین سازمان کارگری، جمیع کارگران بلااستثناء حضور دارند، بر مبنای خرد جمعی سیاست گذاری می کنند، بر همین مبنا تصمیم می گیرند و جملگی با اراده واحد پای اجرای تصمیمات اتخاذ شده می روند. هیچ کارگری اعم از نمایندگان یا توده کارگر حق ندارد خارج از تصمیمات مجمع عمل نماید. سندیکالیست ها باید بدانند به هر نوع نهاد دارای سامان و ساختار می گویند تشکل. تشکلی که هر کس خلاف قواعد درونی آن عمل نماید ساختار شکنی کرده است.

اما پایدار بودن یا نبودن هر تشکلی از جمله مجمع عمومی عارضه ای است تمحیلی و نه خصیصه ذاتی آن. تمام کارگران هفت تپه و هر واحد تولیدی دیگر با کمال میل حاضرند مثلاً ماهی یک بار مجمع عمومی برگزار کرده، مشکلات خویش را به بحث گذاشته و نمایندگان منتخب مجمع قبلی را ابقا یا عزل نمایند. اینکه حکومت ناپایداری مجمع عمومی را بر کارگران تحمیل می کند دخلی به این تشکل کارگری ندارد و تمام اشکال دیگر را دربرمی گیرد. اگر حسن سعیدی به گفته خودش قریب بیست سال عضو هیئت مدیره سندیکاست یا آن عضو دیگر که به گفته رضا شهابی جیره خوار کارفرما شده همچنان خودش را عضو سندیکا می داند، ادله معتبری برای اثبات "پایدار بودن" سندیکای شرکت واحد نیست. تشکل کارگری، واحد تجاری نیست که مالکیت یا سرقتی آن را یکبار برای همیشه خرید. همینقدر بگوئیم؛ دوستان، دو قطبی تشکلات پایدار و ناپایدار برای تخطئه مجمع عمومی خاکریز دفاعی ضعیفی است، واقعی نیست؛ نمی گیرد.

برای جمع بندی نوشته خود، پاسخ ابراهیم عباسی به منتقدین را بهتر و گویاتر از هر مطلبی دانستیم.

"در هفت تپه ما یک شورا داریم که پنج هزار نفری است و ما با خرد جمعی تصمیم میگیریم. تشکل ما مجمع نمایندگان است که اگر کم و کسری هم داشته اما موفق بوده. ما در شورای اسلامی را گل گرفتیم چون خائن است. سندیکا قبلاً بوده اما ما مجمع نمایندگان را انتخاب کردیم و بهتر جواب داده. تشکل پایدار ما مجمع نمایندگان و شورای مستقل ماست. ما در هفت تپه اثبات کردیم که مجمع نمایندگان برتر از سندیکا و شورای اسلامی است. افرادی در فضای مجازی با اهداف خاص علیه ما صحبت میکنند که از روی غرض و مرض است، از روی حسادت است و نه برای نقد."

۷ اوت ۲۰۲۱



از فرزانه زیلابی وکیل کارگران هفت تپه دفاع کنیم!

دشمنان کارگران هفت تپه، نهادهای حکومتی و امنیتی، برای فرزانۀ زیلابی وکیل شرافتمند کارگران هفت تپه پرونده سازی کرده اند. فرزانۀ زیلابی تنها بعنوان یک وکیل از کارگران هفت تپه مصیبتانه حمایت کرده است، اما به همین دلیل به وی انواع اتهامات واهی منتسب کردند. پرونده خانم زیلابی علامت "محرمانه" خورده و حتی خود وی از چند و چون اتهامات اطلاع ندارد.

این اقدام انتقام از کارگران هفت تپه و سرکوب وکلای شرافتمندی است که از مردم کارگر و زحمتکش دفاع می کنند. از فرزانۀ زیلابی وکیل کارگران هفت تپه دفاع کنیم!!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت
Worker-communist Party of Iran - HeKmatiti

به حزب کمونیست کارگری -
حکمتیست کمک مالی کنید!

اعدام قتل عمد دولتی است!



ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کله‌ر

آغاز دور جدید اعتراض کارگران واحد ترابری نفت و گاز زاگرس جنوبی روز شنبه دهم مهرماه گروهی از کارگران واحد ترابری شرکت بهره برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی در منطقه عملیاتی پارسین، آغاز و در اعتراض به متحقق نشدن مطالباتشان از سوی مسئولان، در محل کار خود تجمع کردند. با وجود گذشت ۵ الی ۶ ماه از اعتصابات قبلی رانندگان هنوز تا این لحظه اتفاق خاصی در خصوص اتصال دوباره کارگران واحد ترابری به سامانه ساپنا که سامانه اطلاعات پیمانکاران نیروی انسانی در کل صنعت نفت است و لغو طرح خویش فرمایی که با اجرای آن قرارداد همه این کارگران را به حجمی تغییر می‌کند، رخ نداده است. در نهایت پس از دو روز اعتصابات، با وعده مسئولان برای متحقق شدن مطالبات، کارگران واحد ترابری شرکت بهره‌برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی، به اعتراض خود پایان دادند.

تجمع اعتراضی رانندگان منطقه عملیاتی نار و کنگان

صبح روز شنبه ۱۰ مهرماه رانندگان منطقه عملیاتی نار و کنگان در اعتراض به شرایط حقوقی و عدم اجرای طبقه بندی مشاغل دست از کار کشیده و دست به تجمع زدند. این کارگران می‌گویند که براساس قوانین وزارت کار، قراردادهای آنها مستمر است و طبق بخشنامه وزارت نفت همه شرایط لازم جهت دریافت این آئتم را دارند اما نفت مرکزی و منطقه عملیاتی نار و کنگان توجه ای به خواسته های آنان نمی‌کند.

تجمع اعتراضی کارگران معدن زغال سنگ پابدانا در کرمان

دهها کارگر از معادن پابدانای جنوبی، چشمه‌پودنه، گلموت ۱۴-۱۲، سراپرده، بابشکون و معدنچو در زرن کرمان از یک هفته گذشته در اعتراض به دستمزدهای پایین و تبعیض میان کارگران معادن نیمه دولتی و خصوصی، تولید را متوقف کرده‌اند و در اعتصاب به سر می‌برند. روز شنبه ۱۰ مهرماه ۱۴۰۰، جمعی از کارگران معدن ذغال سنگ پابدانا واقع در کرمان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان، در ورودی محل کار خود دست به تجمع زدند. روز ۱۱ مهرماه نیز کارگران شرکتی مجدداً در ورودی محوطه دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران که در تونل‌های خصوصی این معدن کار می‌کنند، می‌گویند در کارگاه‌های دولتی همین معدن کارگران حقوق بیشتری می‌گیرند و از مزایای مزدی بیشتری بهره‌مند هستند؛ درحالی‌که ساعات کار و تولید آنان به نسبت کمتر است.

تجمع کارگران شرکت‌های پیمانکاری معدن مس سونگون

از روز سه‌شنبه ۱۳ مهرماه کارگران شرکت‌های پیمانکاری معدن مس سونگون در اعتراض به سطح پایین دستمزدها و شرایط بد و ناایمن کار دست به اعتصاب زدند و در محوطه مجتمع اجتماع کردند. تجمع‌کنندگان که بالغ بر ۵۰۰ نفر می‌باشند از نیروهای شرکت‌های

صفحه ۱۲

راهپیمایی کارگران نیشکر هفت تپه در شوش با توجه به تحقق نیافتن خواسته های بحق کارگران نیشکر هفت تپه، اعتراضات از هفته گذشته با سخنرانی ابراهیم عباسی منجزی در روز سه شنبه ۶ مهر ماه ۱۴۰۰ از سر گرفته شد. خواست های کارگران عبارتند از: تعیین تکلیف فوری مدیریت شرکت، پرداخت حقوق‌های معوقه، بازگشت به کار همکاران اخراجی، تمدید قرارداد کارگران فصلی اعم از دفع آفات و غیر نیشکری و حراست و بخشهای فنی، خاتمه دادن به پرونده قضایی وکیل کارگران هفت تپه خانم فرزانه زیلابی. کارگران با تداوم تظاهرات، در حرکت‌های اعتراضی به راهپیمایی در شهر شوش پرداخته و در مقابل فرمانداری شهر شوش تجمع میکنند. اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه در روز پنجشنبه ۱۵ مهر دهمین روز خود را پشت سر گذاشت. کارگران در این روز در مجمع عمومی تصمیم گرفتند که روز شنبه مقابل استانداری خوزستان در اهواز تجمع کنند.

تجمع و راهپیمایی کارگران ارکان ثالث پتروشیمی منطقه ویژه بندر ماهشهر

روز یکشنبه ۱۱ مهرماه کارگران ارکان ثالث مجتمع پتروشیمی شاعل در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی بندر ماهشهر از جمله هلدینگ خلیج فارس در اعتراض به وضعیت نامناسب شغلی و معیشتی و برای مطالبه تبدیل وضعیت نیروها و حذف پیمانکاران خود دست به تجمع زدند. کارگران پیمانکاری این مجتمع خواهان حذف شرکت‌های پیمانکاری و عقد قرارداد مستقیم با کارفرما هستند. روز دوشنبه ۱۲ مهرماه نیز نیروهای ارکان ثالث برای دومین روز متوالی دست به تجمع زدند و در خیابان های بندر ماهشهر راهپیمایی کردند.

اعتصاب رانندگان و اپراتورهای جرثقیل مجتمع پتروشیمی گچساران

روز شنبه ۱۰ مهرماه ۱۴۰۰، گروهی از رانندگان نقلیه سبک و سنگین و اپراتورهای جرثقیل مجتمع پتروشیمی گچساران، دست به اعتصاب زده و از ادامه فعالیتشان خودداری کردند. رانندگان معترض از جمله مطالبات خود را افزایش حقوق و دریافت به موقع دستمزدهایشان عنوان کردند. کارگران پیمانی شرکت «پتروشیمی مروارید» از فاز ۲ منطقه ویژه پارس (عسلویه) در اعتراض به وضعیت خود دست به اعتراض زدند. این کارگران، وعده‌های غذایی خود از ظهر روز پنجشنبه (۸ مهرماه) تا به امروز را از مجموعه تحویل نگرفته‌اند. کارگران خواهان رسیدگی به خواسته‌های خود هستند. دستمزد و مزایای این کارگران در مقایسه با دیگر کارگران پیمانکاری در منطقه متفاوت است. مدیران شرکت و هیات مدیره کوچکترین توجهی به مطالبات این کارگران نمی‌کنند.

نه به آپارتاید جنسی، نه به حجاب اسلامی!

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

روستایی طبق ماده ۸۳ قانون الحاق مجلس، بخشنامه وزارت کار و رای دیوان عدالت اداری، به بدنه شرکت مخابرات ایران متصل شده و دارای قرارداد رسمی و دائمی هستند تبعیض در نوع پرداختی‌های آنها وجود دارد و بعد از خدمت بالای ۲۰ سال در روستاها هنوز حقوق کف قانون کار را دریافت نمی‌کنند. خواسته اصلی و مهم کارگزاران مخابرات روستایی رفع تبعیض، عدالت مزدی و همسان‌سازی حقوق و مزایا هم‌تراز با کارکنان رسمی شهری است.

مرگ یک کارگر ساختمانی در قائمشهر

روز شنبه سوم مهرماه متأسفانه کارگر جوانی در قائمشهر استان مازندران بدلیل فقدان ایمنی در محیط کار از طبقه چهارم ساختمان سقوط کرد و جانباخت. حسن شبان ۳۲ ساله استادکار آرماتوربندی بود و در حین انجام کار بخاطر نبود هیچ نوع حفاظ ایمنی و عدم نظارت، از طبقه چهارم ساختمان سقوط و در دم جانش را از دست می‌دهد.

مرگ یک کارگر در تهران

یک کارگر شرکت پارس خودرو که پیشتر در اثر سقوط از ارتفاع مصدوم شده بود، روز دوشنبه ۱۲ مهر، به دلیل شدت جراحات وارده در بیمارستان ابن سینای تهران جان خود را از دست داد.

تجمع مربیان پیش دبستانی ایده مقابل استانداری خوزستان

روز شنبه دهم مهرماه مربیان پیش دبستانی شهرستان ایده در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مقابل استانداری خوزستان در اهواز تجمع کردند. مربیان پیش دبستانی سال ۹۷ ایده خواستار بازگشت به کار خویش هستند.

تجمع معلمان و فرهنگیان تهران مقابل مجلس

روز یکشنبه یازدهم مهرماه جمعی از معلمان و فرهنگیان تهران مقابل ساختمان مجلس تجمع کردند. معلمان شاغل و بازنشسته خواهان اجرای طرح رتبه‌بندی به میزان ۸۰ درصد هیأت علمی برای معلمان شاغل، اجرای همسان‌سازی حقوق برای معلمان بازنشسته و تحقق دیگر خواسته‌های خود هستند. در دیگر شهرهای کشور همچون اصفهان، شیراز، بندرعباس، داراب، زنجان و غیره نیز تجمع فرهنگیان در مقابل اداره آموزش و پرورش در جریان بود.

تجمع سراسری بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی

روز یکشنبه ۱۱ مهرماه تعدادی از بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی تهران مقابل مجلس تجمع اعتراضی برپا کردند. تعدادی از بازنشستگان و معلمان هم‌زمان در تهران مقابل مجلس بهارستان و شهرستانها مقابل ادارات ذیربط دست به تجمعات اعتراضی زدند. این تجمعات اعتراضی هم‌زمان در شهرهای قزوین، رشت، شیراز، اصفهان، اهواز، خرمشهر، خرم‌آباد و بندرعباس در اعتراض به شرایط سخت معیشتی و عدم اجرای مطالبات برجا مانده برگزار گردید. بازنشستگان و مستمری بگیران شهرهای مشهد و تبریز هم مقابل اداره تأمین اجتماعی این شهرستان تجمع اعتراضی برپا کردند. بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی نسبت به سطح نازل حقوق و مستمری‌ها، مشکلات بیمه تکمیلی و وضعیت بد معیشتی خود معترض هستند و خواهان افزایش و همسان‌سازی کامل حقوق‌ها می‌باشند.

بیمانکاری آجین، نداء، مبین، نوآوران و زحل هستند که سوابق کاری ۱۵ تا ۲۰ سال دارند. کارگران شرکت‌های بیمانکاری معدن مس سونگون با ادامه اعتصاب خود شب را در محوطه این مجتمع دست به تحصن زده و در همانجا ماندند.

وضعیت کارگران و کارکنان راه آهن تراورس

کارگران با شکایت از شرکت ریل صنعت کاران می‌گویند این شرکت بدون تسویه قصد فرار از آنجا را داشته و حقوق عقب افتاده کارگران را هنوز کامل پرداخت نکرده است. کارگران می‌گویند یکی از مطالبات بر حق آنان داشتن قرارداد رسمی و مستقیم با راه آهن است که تا کنون این خواسته متحقق نشده و شرکت‌های بیمانکاری از شرایط معیشتی کارگران به نفع خود سو استفاده کرده و قرارداد های ۳ ماهه منعقد می‌کنند که این نوع قرارداد ها به دلیل ضایع شدن حق و حقوق افراد طبق قوانین اداره کار کشور ممنوع است.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری پرند

روز یکشنبه ۱۱ مهرماه کارگران شهرداری پرند در استان البرز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق‌ها دست به تجمع زدند.

کارگران شهرداری رودبار، بیش از ۴ ماه حقوق معوق

کارگران شهرداری رودبار در استان گیلان در شرایط بحران اقتصادی و وجود کرونا، ۴ ماه حقوق نگرفتند. کارگران می‌گویند علیرغم همه سختی‌ها مجبوریم بدون دریافت حقوق کار کنیم. کارگران شهرداری رودبار در سال جاری یکماه و نیم از مطالبات خود را به صورت علی‌الحساب دریافت کرده‌اند. کارگران می‌گویند در شرایط اقتصادی موجود و معیشت بسیار پایین ما باید برای دریافت معوقات مزدی خود دوندگی کنیم؛ شهرداری رودبار ادعا می‌کند بودجه ندارد و منابع مالی کافی برای پرداخت حقوق کارگران ندارند. کارگران می‌گویند کار ما برای حفظ آرامش و نظافت شهرها بسیار مهم است، شوراهای شهر، استانداری‌ها و حتی مقامات استانی باید با نظارت بر عملکرد شهرداری‌ها بفکر کارگران باشند و بودجه خاص برای پرداخت مطالبات مزدی آن‌ها اختصاص دهند.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری خرمشهر

یکشنبه ۱۱ مهر کارگران شهرداری خرمشهر در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و ۱۰ ماه حق بیمه مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی کارگزاران مخابرات روستایی

صبح روز شنبه دهم مهرماه جمعی از کارگزاران مخابرات روستایی سراسر کشور مقابل ستاد اجرایی فرمان خمینی در تهران تجمع کردند. نمایندگان معترضان می‌گویند با توجه اینکه کارگزاران مخابرات

پیشتر در مهرماه ۹۷ در بحبوحه تحصن معلمان آرش شارمند به دلیل شرکت در تحصن توسط نیروهای امنیتی احضار، مورد بازجویی و تهدید قرار گرفته بود.

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

آخرین وضعیت معلمان زندانی استان فارس

حدود یکماه از بازداشت غلامرضا غلامی کندازی معلم با سابقه و با تجربه و از فعالین معلمان استان فارس می‌گذرد. وی تا روز چهارشنبه گذشته در سلول انفرادی بوده، پس از پایان یافتن دوران بازجویی به زندان عادل آباد شیراز منتقل شده است و صدور وثیقه سنگین باعث ادامه بازداشت موقت وی شده است. از سوی دیگر مهدی فتیحی فعال صنفی استان فارس و معلم تاریخ در تاریخ ۲۳ شهریور همراه با ضرب و شتم دستگیر شده است و از آن زمان تاکنون تنها یک تماس کوتاه با خانواده خود داشته است. این معلم زندانی با داشتن بیماری قلبی از دسترسی به پزشک محروم است و همین موضوع باعث نگرانی خانواده و دوستان و فعالان صنفی وی شده است. آقای فتیحی در سالهای گذشته نیز به خاطر فعالیت‌های صنفی و مدنی مورد اذیت و آزار و پرونده سازی توسط نیروهای امنیتی قرار گرفته است.

تجمع و راهپیمایی اعتراضی بازنشستگان و کارکنان هما

روز شنبه ۱۰ مهرماه کارکنان شاغل و بازنشسته شرکت هواپیمایی ملی ایران (هما) در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان مقابل وزارت راه دست به تجمع زدند. بازنشستگان و شاغلان هما به وضعیت بد شغلی و معیشتی خود اعتراض دارند و خواهان افزایش و همسان سازی حقوق‌ها و رسیدگی به دیگر خواسته‌هایشان هستند.

تداوم تجمع بازنشستگان صندوق بازنشستگی فولاد خوزستان و اصفهان

طبق یکشنبه‌های اعتراضی این هفته نیز در روز یکشنبه ۱۱ مهرماه جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد مقابل ساختمان این صندوق در اهواز و اصفهان تجمع کردند. این بازنشستگان خواستار تحقق مطالبات معیشتی و حقوقی خود هستند. بازنشستگان صندوق فولاد هر یکشنبه در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به تجمع می‌زنند اما تا کنون هیچ مسئولی حاضر نبوده تا پاسخ درست به این زحمتکشانشان بدهد.

تجمع فعالین مدنی سندج در اعتراض به خشونت علیه زنان

روز چهارشنبه ۱۴ مهرماه جمعی از فعالین اجتماعی شهر سندج در اعتراض به خشونت علیه زنان مقابل ساختمان دادگستری این شهر تجمع کرده و خواهان اقدام دادستانی و نهادهای مربوطه برای جلوگیری از اعمال خشونت علیه زنان شدند. در چند روز گذشته فائزه ملکی نیا دختری ۲۲ ساله به بهانه آنچه ناموس نامیده میشود توسط پدرش به آتش کشیده شد و در بیمارستان جان خود را از دست داد. این فاجعه نارضایتی و خشم زیادی را در میان شهروندان و فعالین اجتماعی برانگیخته است.

امتناع دادستانی از آزادی عزیز قاسم زاده

روز یکشنبه ۱۱ مهرماه خانواده و همکاران عزیز قاسم زاده معلم زندانی مجدداً پیگیر آزادی او شدند که با مخالفت و امتناع دادستانی مواجه شدند. علیرغم اعلام بازپرسی برای تودیع وثیقه جهت آزادی عزیز قاسم زاده، دادستانی از پذیرش وثیقه و دستور آزادی او امتناع نموده است. عزیز قاسم زاده که روز ۴ مهرماه در منزل مسکونی‌اش دستگیر شده بود اکنون در قرنطینه زندان رودسر در بازداشت به سر میبرد.

آرش شادمند معلم هنر و عکاس آذربایجانی توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.

آرش شادمند دبیر هنر، عکاس و دانشجوی کارشناسی ارشد هنرهای چند رسانه‌ای روز پنجشنبه ۸ مهر توسط نیروهای امنیتی در تبریز بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. هنوز از دلایل بازداشت و نهاد بازداشت کننده و محل نگهداری ایشان اطلاعی در دست نیست. لازم به ذکر است



جنبش مجمع عمومی کارگری را گسترش دهیم!

نه به آپارتاید جنسی، نه به حجاب اسلامی!

فراوان آماده شده بود تا ساعتها به کشتار مردم بیگناه "بدون خستگی" ادامه دهند. متأسفانه تا امروز و پس از گذشت هشتاد سال از این قتل عام تاریخی، هیچ مقام نظامی و غیر نظامی ارتش هیتلری بخاطر شرکت و تدارک این قتل عام دادگاهی نشده است. روشن است پشت اینگونه این اعداد، انسانهای واقعی قرار داشتند که برای آینده خود و خانواده خود برنامه ریزی و تلاش کرده بودند. کشته شدن هر نفر، نه کشتن یک نفر که باید با کشته شدن یک نسل تفسیر شود.

متأسفانه دنیای آروز نتوانست جلوی این قتل عام وحشیانه توسط حکومت هیتلر را در شوروی سابق بگیرند ولی جوامع امروز بشری باید بتوانند با تکیه بر همبستگی جهانی در مقابل نظامهای فاشیستی مانند جمهوری اسلامی از جمله در روز جهانی علیه اعدام بایستند. امروز جمهوری اسلامی و شخص خامنه ای در کنار نیروهای سیاه اسلامی همانند طالبان در کشتار هزاران بل صدها هزار انسان بی گناه سهیم می باشند. تردید نباید داشت که مردم این کشورها حکومتهای اسلامی را بزیر می کشند، آنچه لازم دارند همبستگی جهانی کارگران و مردم آزادیخواه با جنبشی آزادیخواهانه و انقلابی و سکولار است که امروز میخواهد از شر این حکومتهای مرتجع رها شود اما به انقلاب کارگری چشم دوخته است، به برپائی یک جامعه آزاد و خوشبخت سوسیالیستی.

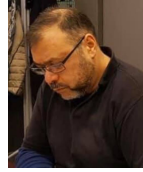
«پیمان نوین» نقش رضا پهلوی در اپوزیسیون راست

بیش از شش ماه از فراخوان رضا پهلوی تحت نام "پیمان نوین" در "گذار از جمهوری اسلامی" میگذرد. رضا پهلوی بعد از شکست پی در پی پروژه هایش، با هدف بازسازی و دادن تحرکی به اپوزیسیون پروغرب سرشکسته از ترامپ و ناامید از بایدن، در پیام ۱۵ دقیقه ای در ۱۵ مارس ۲۰۲۱ خود، خواستار گذار از "جمهوری اسلامی" با شعار "نه به جمهوری اسلامی" شد. بنابراین آقای رضا پهلوی پس از چهل و دو سال برسر قدرت بودن جمهوری اسلامی، علیرغم مدنی چی و اصلاح طلب و جمهورخواه شدن ها، با این فراخوان واضحترا به صف سرنگونی طلبانه جمهوری اسلامی پیوست. ما همان زمان در بیانیه حزب و مقالات اهداف ضد کارگری و ضد انقلابی این "بیانیه" را افشاء کردیم. امروز و با گذشت بیش از ششماه از این بیانیه، اپوزیسیون پروغرب حتی متفرق تر و شکننده تر از قبل خود شده است. چرا؟! با نگاهی به تاکید آمریکا بر سر توافق با جمهوری اسلامی و حوادث سه ماه قبل در افغانستان و واگذاری قدرت به طالبان توسط آمریکا، نشان میدهد که سیاست هیئت حاکمه در آمریکا، مستقل از اینکه جمهوری خواهان یا دمکراتها در قدرت باشند، پیش میرود و تا اطلاع ثانوی در این سیاست جانی برای اپوزیسیون بورژوائی و امثال رضا پهلوی و حتی هواداران غرب در حاشیه و درون حکومت در نظر گرفته نشده است. پیمان "نوین" از اولش کهنه بود اما حالا کهنه تر شده است.

امروز جمهوری اسلامی و امثال آن تنها یک خاصیت دارند و آن ظرفیت تقابلشان با کمونیسسم و نیروهای انقلابی است. جمهوری اسلامی حکومت مطلوب آمریکا در ایران و یا حکومت انکشاف سرمایه نیست، اما دشمن طبقه کارگر است بیشتر از هر بورژوای دیگر. برای همین این در این فضای ناتوانی و بحران و نداشتن راه حل، با جنبش اسلامی سازش می کنند تا لااقل جلوی روندهای پیشرو را

در حاشیه رویدادها

نادر شریفی



محرومیت ۱۳۰ هزار کودک و نوجوان از حق تحصیل در سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان یکی از استانهای است که مردم آن با بی اعتنائی کامل حکومت اسلامی روبرو می باشند. شهروندان سیستان و بلوچستانی در کنار مشکلاتی عدیده ای همانند فقدان بیمارستان و مراکز پزشکی، فقدان مراکز آموزشی و تحصیلی و غیره با مشکلات جدی تری همانند فقدان شناسنامه برای کودکان و نوجوانان در این استان نیز روبرو می باشند. اغلب خانواده های زحمتکش، مجبورند با قبول هزینه های سنگین برای دریافت شناسنامه برای نوزادان و کودکان خود صدها کیلومتر به شهرهای بزرگ استان مسافرت کنند. اغلب مراجعه کننده گان اما با ممانعت صدور شناسنامه برای فرزندان خود روبرو می شوند، مرکز دولتی به دلایل واهی از صدور شناسنامه برای خانواده های زحمتکشان و کارگری امتناع میکنند. مدیر روابط عمومی آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان با اعلان اینکه تا سال ۱۴۰۰ حداقل ۶۱ هزار نفر کودک و نوجوان در این استان بازمانده از تحصیل می باشند و یا بخاطر عدم امکانات مجبور به ترک تحصیل شده اند، گفت: بیش از ۱۳ هزار دانش آموز منع خدمات دولتی دارند که "هیچ کاری نمیتوان" برای آنها انجام داد. آمار گویای آنند که حداقل ۱۳۰ هزار نفر بازمانده از تحصیل در این استان و این که این افراد به دلیل نداشتن مدارک هویتی و شناسنامه و همچنین مشکلات قضایی از تحصیل بازمانده اند، روشن است در جامعه ای که حکومت اش حتی از ثبت احوال و ساخت مجوز شناسنامه از فرزندان مردم سرباز میزند و آنان را حتی بعنوان شهروندان جامعه اش برسمیت نمی شناسد، این کودکان حال و آینده شان در نظام اسلامی از قبل نوشته شده است. آنها از روز اول تولدشان در حکومت نکبت اسلامی از خدمات آموزشی، درمانی و غیره محروم می مانند و راهی بجز یافتن کار بی مزایا و تن دادن به بردگی مزدی در بنگاههای کاری و آنهم در محیطهای غیر بهداشتی عاری از هرگونه حمایتهای دولتی ندارند. از موضع دولت اسلامی و طبقه سرمایه دار این "سرنوشت محتوم" ماست، بردگی مزدی تا زمان مرگ! اما اگر میگوییم خیر "محتوم نیست"، آنوقت باید این بردگی را ورندایم!

هشتادمین سالروز قتل عام جمعی سی و سه هزار یهودی و ضد فاشیست در اوکراین

حکومت نازیست آلمان در حمله به روسیه در راستای سرکوب و کشتار کمونیستها و یهودیان در ۲۹-۳۰ سپتامبر ۱۹۴۱ بیش از ۳۳ هزار یهودی را در دره ای در نزدیکی کیف (پایتخت امروز کشور اوکراین) جمع آوری کردند و سپس در محاصره ارتش فاشیستی آلمان توسط سربازان آلمان هیتلری قتل عام شدند. قتل عام بیش از ۳۳ هزار کودک و زن و پیر و جوان توسط ارتش آلمان هیتلری بیش از یک روز طول کشید. ارتش فاشیست آلمان در هنگام قتل عام آنها و برای اینکه صدای فریاد قربانیان شنیده نشود با بلندگوهای بزرگ موزیک اپرا پخش میکرد. در مقابل آن سربازان ارتش فاشیستی هیتلر با غذا و مشروب

خبرگزاریهای وابسته به جمهوری ایران نوشته‌اند که مقامات آذربایجانی به بهانه «همه‌گیری کرونا» اقدام به تعطیلی «حسینیه اهل بیت» نیز کرده‌اند.

در حاشیه رویدادها ...

آیا جنگی در افق است؟ مستقل از اینکه جمهوری اسلامی با بالا آوردن بدهی بانکی ۶۴ درصدی تنها در یکساله گذشته و عدم توانش در سرکوب و به عقب راندن سرنگونی طلبی جامعه و به شکست کشاندن و به عقب راندن اعتصابات و اعتراضات دهها هزار نفر کارگر، معلم، بازنشسته گرسنه و عصبانی، توانی در راه اندازی یک جنگ حتی کوتاه مدت با کشورهای همجوارش را ندارد و مطلع است که هرگونه فشار و دست درازی به حکومت آذربایجان با واکنش حکومت اردوغان نیز روبرو خواهد شد. بنظر می آید جمهوری اسلامی برای فرار و مسئولیت پذیری از وضعیت بسیار بد اقتصادی جامعه، عدم دستیابی اش به توافق با آمریکا و غرب، مرگ روزانه چند صد نفره شهروندان بخاطر شیوع کرونا و بی مسئولیتی کامل حکومت، بدنبال سرگرم کردن و به انحراف کشاندن اذهان جامعه پشت تبلیغات ارتجاعی ناسیونالیستی است تا از عزم راسخ جامعه برای سرنگونی نظام اسلامی نیرو بگیرد. روشن است برای جمهوری اسلامی، حفظ نظام هدف اصلی است، رئیسی را آوردند که مردم را این آدمکش بترسانند. اما برخلاف انتظارش، با روی کار آوردن جلاد رئیسی، و حتی بقدرت رسیدن طالبان توسط آمریکا، نه تنها جامعه ایران سانتیمتری در مقابل حکومت اسلامی عقب نشینی نکرده است، بلکه عزم خود در سرنگونی این رژیم را جزم تر کرده است.

بگیرند. طالبان، جمهوری اسلامی، حزب الله لبنان و احتمالاً بزودی حشدشعبی در عراق، همان کمربند سبز سابق که الان بعنوان "محور مقاومت" نقش سگ هار پاسبان سرمایه را در مقابل تعرض کارگر و آزادیخواهی موقتا ایفا کند.

افزایش تنش‌ها بین ایران و جمهوری آذربایجان

روابط حاکمان تهران و باکو طی هفته‌های اخیر در پی بهانه بازداشت دو راننده ایرانی در مسیر اصلی ترانزیت کالا میان دو کشور در منطقه قریباغ، بدلیل ورود غیرقانونی آنها به خاک آذربایجان و همچنین اخذ عوارض عبور از کامیونهای تردد کننده میان ایران و ارمنستان، وارد فاز جدیدی از تنش‌ها شد. رژیم اسلامی به دنبال تنش‌های خود با رژیم آذربایجان، رزمایشی با عنوان «فاتحان خبیر» در مرزهای شمال غربی خود با آذربایجان برگزار کرد. پس از «رزمایش ارتش» اسلامی در نزدیکی مرزهای آذربایجان، آنکارا از رزمایش مشترک خود با باکو در این هفته خبر میدهد. این رزمایش دوشنبه ۵ اکتبر در «تفلیس» پایتخت گرجستان با حضور نیروهای نظامی ترکیه، جمهوری آذربایجان و گرجستان آغاز شد و تا ۸ اکتبر ادامه خواهد داشت. در پی این رویدادها دفتر (امنیتی) نماینده خامنه‌ای در باکو پلمپ و به گزارش خبرگزاری «تسنیم»، مسجد و دفتر علی‌اکبر اجاق‌نژاد، نماینده علی خامنه‌ای در جمهوری آذربایجان، سه‌شنبه ۵ اکتبر در شهر باکو تعطیل شد. همچنین



برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه
حزب کمونیست کارگری -
حکمتیست را بطور زنده از طریق
کانال الترناتیو شورایی دنبال
کنید و به کارگران و دوستانتان
معرفی کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

**کانال تلویزیون الترناتیو شورایی را بطور زنده و از
طریق تلفن و یا اینترنت همه جای جهان دنبال کنید.**
شبکه مشترک ماهواره ای ۲۴ ساعته شورای
همکاری نیروهای چپ و کمونیست را به دوستانتان
معرفی کنید آدرس:

<https://alternative-shorai.tv/>

اطلاعیه
parlow TV

بینندگان عزیز
از اول اکتبر ۲۰۲۱، کانال ماهواره ای "تلویزیون آلترناتیو
شورایی" تلویزیون مشترک نیروهای چپ و کمونیست پخش
خود را آغاز می کند.
از اول اکتبر، تلویزیون پرتو، رسانه تصویری حزب
حکمتیست، برنامه های خود را از این کانال پخش می کند.

ماهواره یاه ست
فرکانس: ۱۲۵۹۴
پولاریزاسیون: عمودی
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰
اف ای سی: ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعتهای
۳:۳۰ تا ۴:۳۰
۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰
۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر
میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده
باشند.

هفتگی
کمونیست

واکسیناسیون رایگان
با استانداردهای بهداشت جهانی،
حق فوری کلیه ساکنین ایران است!

شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست

COVID-19
Vaccine
رایگان
استانداردهای
بهداشت جهانی
برای همه



زنده باد سوسیالیسم!